

An Insight into the Reality of the Conditions of Resurrection from the Point of view of Commentators and its Impact on the Lifestyle of Muslims

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Zahra Tahmasebi¹

Mojgan Sarshar^{2*}

Seyed Mohammad Ali Ayazi³

How to cite this article

Zahra Tahmasebi, Mojgan Sarshar, Seyed Mohammad Ali Ayazi, An Insight into the Reality of the Conditions of Resurrection from the Point of view of Commentators and its Impact on the Lifestyle of Muslims, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2022:5(4): 509-516.

1. PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Sarshar2008@gmail.com

Article History

Received: 2021/09/23

Accepted: 2021/12/22

Published: 2022/03/16

ABSTRACT

A group of verses that are based on the signs of the Resurrection have been proposed in the language of scholars as "Ishrat al-Sa'a" and are taken from the Qur'an itself (Muhammad/18), which means the signs and symptoms of the resurrection and the events connected with the resurrection. "Signs of the Hour" are small events and signs that occur before the great event of the Day of Resurrection to be a warning for the end of the world or the beginning of the Resurrection scene. These warnings contain huge changes and revolutions that occur in the universe, sky and earth. This article examines the interpretations after the second century to the works related to the later centuries and examines the realistic approach, including "appearance oriented, interpretation oriented" based on the opinions of commentators and researchers. The findings of the research, based on the mentioned approaches, indicate that the understanding of researchers and commentators in the context of the conditions of the Hour are different from each other, and at the same time, they have evaluated the possibility of the Day of Judgment in the language of images. Therefore, people's awareness of the conditions of the hour can have a significant impact on their attitude and lifestyle. The research method of this article is a descriptive-analytical method with a library technique.

Keywords: Hourly Conditions, Interpretations, Realistic, Appearance-Oriented, Interpretation-Oriented, Lifestyle.

بینشی بر واقع‌نمایی اشراف‌القیامه از منظر مفسران و تاثیر آن بر سبک زندگی مسلمانان

زهرا طهماسبی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مژگان سرشار^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

سید محمد علی ایازی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

گروهی از آیاتی که مبنی بر نشانه‌های قیامت است در لسان علماء به‌عنوان «اشراف‌الساعة» طرح گردیده و مأخوذ از خود قرآن (محمد/۱۸) است که مقصود از آن علائم و نشانه‌های رستاخیز و حوادث متصل به قیامت است. «اشراف‌الساعة» حوادث و علائم کوچکی هستند که قبل از وقوع حادثه‌ی عظیم قیامت رخ می‌دهد تا هشدار برای پایان جهان و یا سرآغازی برای صحنه‌ی رستاخیز باشند. این هشدارها دربردارنده تحولات و انقلاب عظیمی است که در کائنات، آسمان و زمین رخ می‌دهد. این نوشتار به بررسی تفاسیر بعد از قرن دوم تا آثار مرتبط با قرون متأخر پرداخته و به بررسی رویکرد واقع‌نمایی اعم از «ظاهرگرا، تاویل‌گرا» مبنی بر آرای مفسران و محققان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش بر اساس رویکردهای نامبرده حاکی از آن است که فهم محققین و مفسرین در زمینه اشراف‌الساعة با یکدیگر متفاوت بوده و در عین حال امکان وقوع قیامت را به زبان تصویر مورد ارزیابی قرار داده‌اند. لذا آگاهی انسانها از اشراف‌الساعة می‌تواند بر نوع نگرش و سبک زندگی آنها تاثیر بسزایی داشته باشد. روش تحقیق مقاله حاضر، روش توصیفی-تحلیلی با فن کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اشراف‌الساعة، تفاسیر، واقع‌نما، ظاهرگرا، تاویل‌گرا، سبک زندگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

* نویسنده مسئول: Sarshar2008@gmail.com

مقدمه

«اشراف‌الساعة» یا «آخر زمان» که به دوره آخر و قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد (۱) و به دلیل جایگاه برجسته‌ای که دارد مورد تأیید بسیاری از ادیان است. اشراف‌الساعة، بر مجموعه حوادثی اطلاق می‌شود که پیش از واقعه عظیم قیامت اتفاق خواهد افتاد. اشراف از نظر لغوی جمع «شرط» به معنای «علامت» است. معنای اصلی این واژه همان شرط است و شرط عاملی است که وجود امری به تحقق آن بستگی دارد. دلیل پیوند معنایی شرط با علامت این است که تحقق شرط، علامت تحقق امری است که وجود آمدنش منوط به آن شرط است. بدین سان اشراف‌الساعة مجموعه حوادثی است که تحقق آنها نشانه وقوع قیامت است (۲). این واژه برگرفته از یکی از آیات قرآن است که از وقوع آن خبر داده است: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَتَدْجَأَ أَسْرَاطُهَا ۗ فَأَنَّى يُؤْتَوْنَ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ (۱۸)» «پس آیا [منافقان و منکران] جز این را انتظار می‌برند که ناگاه قیامت بر آنان فرا رسد؟ [در حالی که هم‌اکنون نشانه‌هایش آمده است]، پس هنگامی که قیامت بر آنان فرا رسد، متذکر شدن و هوشیاری‌شان از کجا و چگونه به آنان سود بخشد؟».

این آیه و آیات مشابه آن در زمینه «اشراف‌الساعة» در تفاسیر کهن (از قرن دوم تا قرن هشتم)، به‌گونه‌ای تفسیر شده که مناسب با دانستی-های مفسران آن بوده و در میان تفاسیر جدید (از قرن هشتم تا معاصر)، عموماً به‌گونه‌ای دیگر تفسیر شده که چه بسا با توجه به دانش و هیئت و نجوم و فیزیک جدید بوده است و این اختلاف برخاسته از تحولات دانش مفسران تعبیر شده است، این در حالی است که در مبانی و روش مفسران در تعامل و برخورد با این آیات اختلاف نظر وجود دارد.

مثلاً در تفاسیر قرن اخیر توجه به علوم روز و استفاده از آن‌ها در فهم دقیق آیات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بر این عقیده‌اند که پیشرفت بشر در علم نجوم و زمین‌شناسی در فهم دقیق این آیات تأثیر دارد. به‌عنوان نمونه در تفاسیر کهن در تفسیر بر خود آیات قرآن تکیه می‌نمودند، معانی الفاظ را حمل بر ظاهر می‌کردند و از این آیات «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» (تکویر/۱) «وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَشَرَتْ» (انفطار/۲)، «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ» (تکویر/۶) همان از بین رفتن نور خورشید و فرو افتادن ستارگان، یکی شدن آب دریاها و سرازیر شدن در سطح زمین، یعنی همان تحولاتی که با چشم غیر مسلح می‌توان دیدرا برداشت می‌نمودند؛ اما در تفسیر پرتوی از قرآن "تکویر" را دگرگونی و درهم‌پیچیدگی که در جرم خورشید رخ می‌دهد و "انکدار" را خاموش شدن ستارگانی که نورشان را از خورشید می‌گیرند و "انتشار کواکب" را پراکنده شدن ستارگانی که از خودشان نور دارند معنی کرده و همه‌ی این اتفاقات را مترتب بر درهم‌پیچیدگی خورشید می‌داند.

پیشینه پژوهش

این پژوهش از این جهت که تحلیل مبانی و دیدگاه‌های مفسران و محققین در تفاسیر کهن و جدید به شکل خاص و منسجم در رابطه با «اشراف‌الساعة» تاکنون مطرح نشده است، نو و بکر است. پژوهش

هایی که تاکنون در رابطه با موضوع «اشراف‌الساعة» انجام گرفته است عبارتند از:

۱. مقاله ای با عنوان «برخی از نشانه‌های رستاخیزی در آیات و روایات» از یاسر جهانی پور در مجله ی مبلغان شماره ۱۴۶.

- در این مقاله به بررسی آیات مربوط به نشانه‌های رستاخیز و نیز بررسی مقایسه ای تفاسیر مبنی بر نوع تفسیر آنها از این آیات پرداخته است.

۲. مقاله ای با عنوان «واکاوی اشراف‌الساعة در آموزه های دینی» ذالی قمی، ابراهیم. خوانین زاده، محمد حسین. مشرق موعود، بهار ۱۳۹۶.

- در این نوشتار، ضمن اشاره به معنا و مفهوم واژه «اشراف» و گزارشی مختصر از آرای مفسرین در تفسیر «اشراف‌الساعة»، سه مسئله بررسی خواهد شد: ۱. واژه «الساعة» در قرآن چه مصداق و یا مصادیقی دارد؟ ۲. مصداق «الساعة» در آیه هجدهم سوره محمد، به چه مقطعی از آینده مربوط است؟ ۳. علت طرح «اشراف‌الساعة» در آیات و تبیین آن در روایات چیست؟

۳. مقاله ای با عنوان «تاملی در نزدیکی زمان برپایی قیامت با تکیه بر مقایسه تطبیقی دیدگاه های تفسیری». عسگری، انسیه. پژوهش های قرآنی میثاق. زمستان و بهار ۱۳۹۸.

- این پژوهش، با بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره‌ی گروه - آیات مرتبط با این موضوع، تفسیر برخی از آنان را فهم ظاهر قرآن تلقی کرده است. تفسیر باطنی این آیات، قیامت را مرتبه‌ای از مراتب هستی می‌داند که ورای طور زمان است و هم‌اینک وجود دارد. این نکته، می‌تواند بسیاری از گره‌ها و تناقضات ظاهری آیات را رفع کند و در درک حقیقی و صحیح نزدیکی زمان قیامت و علم انحصاری خداوند بدان، راهگشا باشد.

۴. پایان نامه ای با عنوان «اشراف‌الساعة» از آقای علی آمالی و ابوطالب نیساری.

- اما آنچه این رساله را نسبت به مقالات مذکور متفاوت می‌نماید اینکه اولاً گزارشی از تفاسیر قدیم و جدید و در ثانی بحث بررسی مبانی و رویکرد و جریان تفسیری در این دسته از آیات است و ضمن بررسی این آیات در تفاسیر کهن و جدید مبانی و روشها و دیدگاه‌های مفسرین در خصوص این آیات تحلیل می‌گردد.

سوالات پژوهش

- در قرآن آیات اشراف‌الساعة چه مقدار و چگونه طرح شده است؟

۲- تفسیر آیات مرتبط با اشراف‌الساعة در تفاسیر کهن چگونه است؟

۳- تفسیر آیات مرتبط با اشراف‌الساعة در تفاسیر جدید چگونه است؟

۴- در تفاسیر کهن و جدید در زیر آیات اشراف‌الساعة چگونه می‌توان مبانی و داده‌های مفسران را تحلیل و مقایسه کرد؟

۱. ساعه در لغت:

ساعت به جزئی از اجزای شبانه‌روز گفته می‌شود (۳) و مقصود از آن در اینجا قیامت است. (۴). برخی گفته‌اند که ساعت به معنای

زمان محدود است و منظور از «الساعة» در آیات قرآن، زمان مرگ است که قیامت شخصی افراد است (۵).

۲. اشراف در لغت:

واژه «اشراف» در قرآن فقط یک‌بار و به‌صورت اضافه به ضمیر قیامت به‌کاررفته است. آنجا که می‌فرماید: «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَافُهَا» یعنی «پس علامت‌ش اینک پدید آمده است». (محمد، ۱۸) در خصوص واژه «اشراف» در کتب لغت دو احتمال متصور است. اول این که اشراف جمع «شَرَط» به معنای نشانه (۳، ۶)

یا ابتدای شیء باشد. دوم این که از «شرط» به سکون راء باشد؛ یعنی همان شرط یعنی آنچه مشروط بر آن توقف دارد. در این حالت، جمع آن شروط است. در لسان العرب نیز اشراف به اسباب کوچک قیامت تشبیه شده است (۳).

۳. اشراف‌الساعة:

مراد از اشراف‌الساعة نشانه‌هایی است که پیش از قیامت، واقع می‌شود. به عبارتی، مقصود از اشراف‌الساعة نشانه‌های زمان مرگ و ظهور آثار ضعف و سستی در بدن و قوای آن می‌باشد (۵).

در روایات نیز بر تحولات اجتماعی و دگرگونی‌های دنیایی که پیش از قیامت واقع می‌شود، عنوان اشراف‌الساعة اطلاق شده است (۷). در مجموع می‌توان گفت منظور از اشراف‌الساعة حوادث و علائم کوچکی هستند که قبل از وقوع حادثه‌ی عظیم قیامت رخ می‌دهد تا هشدار برای پایان جهان و یا سرآغازی برای صحنه‌ی رستاخیز باشند و علائم مورد نظر در این رساله شامل آن دسته از تحولات و انقلاب عظیمی است که در کائنات، آسمان و زمین رخ می‌دهد.

۴. تعداد آیات اشراف‌الساعة در قرآن

در قرآن کریم آیات فراوانی یافت می‌شود که نشانه‌های نزدیک شدن قیامت و حوادثی را که عامل به هم خوردن نظام آفرینش می‌گردند و متصل به قیامت می‌باشند، بازگو می‌کنند. تعداد آیاتی که معرف اشراف‌الساعة می‌باشند ۶۰ آیه می‌باشد. این علائم عبارتند از متلاشی شدن کوه‌ها، انفجار دریاها، زلزله‌های عظیم، تاریک شدن خورشید، ماه و ستارگان، شکافتن کرات آسمانی و نفخ صور. خروج دابة الارض و بازگشت قوم یاجوج و ماجوج.

در قرآن کریم برای ظهور و تحقق قیامت علائم و نشانه‌هایی بیان گردیده که مایه‌ی به هم خوردن نظام آفرینش می‌شوند. این آیات مناسب با دانستنی‌های مفسران کهن به‌گونه‌ای در تفاسیر جدید به‌گونه‌ای دیگر تفسیر شده است که بسا با توجه به دانش هیئت، نجوم و فیزیک، جدید بوده است و این اختلافات برخاسته از دانش مفسران تعبیر شده است، ایند حالی است که در مبانی و روش مفسران در تعامل و برخورد با این آیات اختلاف نظر وجود دارد. این آیات ناظر به تحولات در آسمان، زمین و انسان‌هاست؛ که در این قسمت به بیان دو نشانه مهم یعنی صور اسرافیل و دابة الارض می‌پردازیم.

۵. صور اسرافیل

قرآن کریم در هیجده آیه با تعبیر مختلف به نفخ صور به‌عنوان یکی از اشراف‌الساعة اشاره نموده است از این آیات استفاده می‌شود که

معنای اصطلاحی این ترکیب به نحوی که در مطالعات تفسیری از آن استفاده می‌شود عبارت است از به کارگیری لفظ در معنای مطابقی و بر اساس معنای وضعی الفاظ به نحوی که گوینده سخنی را بگوید و مقصودش از آن بیان واقعیت باشد. آن گونه که از ظواهر الفاظ و معانی و مدلولات وضعی آن‌ها استفاده می‌شود مثلاً وقتی که قرآن کریم از رخداد‌های پایان جهان مادی سخن می‌گوید؛ مقصود و مراد خداوند بیان واقعیت و تحقق یافتن امری بوده است که عیناً حادث خواهد شد و یا به همان شکل که از متن به ذهن متبادر می‌شود رخ خواهد داد. در برابر آن، گزاره‌های غیر معرفت بخش یعنی این که گزاره‌های دینی، صرفاً ناظر به ارزش‌ها، اعمال و بیان احساسات و عواطف فرد دیندار هستند. و آن‌ها را به انجام یک سلسله اعمال توصیه می‌کند. طرفداران این دیدگاه غالباً به معنای عبارات و گزاره‌ها توجهی ندارند و تنها کارکرد آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند.

بر اساس این نظریه اخبار و داستان‌های قرآن نه به قصد بیان واقعیت، بلکه باهدف متنبه ساختن و هدایت بشر بیان شده است (۸) اما در رابطه با این اصطلاح باید گفت که رویکرد اصلی در باب زبان قرآن واقع‌نما بودن است.

واقع‌نمایان خود به دودسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول ظاهرگرایان هستند که در شرح الفاظ قائل به مطابقت بین لفظ و معنا هستند و آنان درباره حوادث آستانه قیامت براین باورند که این حوادث به همان شکل که در بیان ظاهری قرآن آمده باید تفسیر شود. در نتیجه در آستانه قیامت نیز به همان صورت و کیفیت؛ در این عالم واقع می‌شوند و دسته دیگر تأویل‌گرایان هستند که آن الفاظ را به سبب قرائن از ظاهرشان به حقیقت مراد و معنا ارجاع می‌دهند.

۱. ظاهر گرایان

اولین موضوع مورد بحث حادثه نفع صور است. بادقت در تفاسیر و آراء مفسران ضمن بیان شواهدی مبنی بر ظاهرگرایی برخی مفسران در ارتباط با حوادث اشراط الساعه دلایل آنان تحلیل و بررسی می‌نماییم.

بادقت در آراء برخی مفسران چنین به نظر می‌رسد که آنان به صرف ظاهر لفظ صور و براساس آنچه که از خود لفظ آن برداشت می‌شود و در بین قوم عرب شهرت داشته است، شکل‌های مختلف و مادی برای آن به عنوان ابزار ایجاد صدا و جهت دار بودن تصریح نموده‌اند.

الف. صور اسرافیل

*** به عنوان نمونه مقاتل بن سلیمان ذیل آیه ۶۸ زمر می‌گوید صور همان قرن است و آن دمنده اسرافیل است در حالیکه دهانش را بر آن "قرن" که شیئی شبیه بوق می‌باشد، نهاده‌است و دایره روی شاخ به اندازه سطح آسمان و زمین است. (۹).

*** همچنین علی بن ابراهیم قمی (م حدود ۳۰۷ ق)، ذیل آیه ۶۸ زمر "چنین آورده است که صور یک سر و دو طرف خروجی دارد و فاصله بین هر طرف تا طرف دیگر همانند فاصله ما بین آسمان و زمین است. لازم به ذکر است (۱۰) که این روایت را

دو بار در صور دمیده می‌شود یکی در پایان این جهان رخ می‌دهد و دیگری سرآغازی برای رستاخیز است؛ اما آیتی که ناظر به تعبیر نفع صور می‌باشند به دودسته تقسیم پذیرند:

*** دسته اول آیه‌ی که اشاره به نفعه اول می‌کند، می‌فرماید: "فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ وَحَمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (الحاقه، ۱۴-۱۳)" یعنی "پس آنگاه که در صور یک بار دمیده شود؛ و زمین و کوه‌ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آن‌ها با یک تکان ریزیز گردند.

*** دسته دوم آیتی که ناظر به نفعه ی دوم می‌باشند، در سوره نمل می‌فرماید: "وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ " فَفَرَعَ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ كُلُّ أُنُوهٍ دَاخِرِينَ (نمل، ۶۷)" یعنی " و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است به هراس افند، مگر آن کس که خدا بخواهد و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند " در سوره یس می‌فرماید: " وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (یس، ۵۱)" یعنی " و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند. " در سوره مؤمنون می‌فرماید: "فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ" (مؤمنون، ۱۰۱) یعنی پس آنگاه که در صور دمیده شود، [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند.

*** واما تنها آیه‌ای که به صراحت دلالت بر هر دو نفعه دارد، آیه ۶۸ سوره زمر "است؛ زیرا در ابتدا با «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ» نفعه اول و در ادامه با «ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى» نفعه دوم را بیان فرموده است: " وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَوَّقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ" یعنی و در صور دمیده شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است بیهوش شود - بمیرد - مگر آنان که خدای خواهد، سپس بار دیگر در آن دمیده شود، پس ناگهان ایستادگانی باشند که می‌نگرند؛ که به تصریح آن آیات، نفع صور دو بار اتفاق خواهد افتاد.

۶. خروج دابة الأرض

اصطلاح دابة الأرض در آیه ۸۲ سوره نمل در وصف رویدادی مهم در آستانه قیامت آمده است و منشأ توجه فراوان محدثان و مفسران اسلامی گردیده است و این که آنان درباره مسائلی از قبیل ماهیت، زمان و مکان خروج، محتوای سخن و مخاطبان این جنبنده و دیگر مباحث مرتبط آراء متفاوتی ارائه نموده‌اند.

در ادامه به بیان آراء آن دسته از مفسرانی می‌پردازیم که لفظ دابة را حمل بر معنای ظاهری آن - جنبنده یا موجود متحرک که از زمین خارج می‌شود - نموده‌اند؛ که این جنبنده ممکن است حیوان یا انسان باشد

*** اینک به تحلیل مبانی و آراء مفسران با محوریت نوع نگرش آنان به زبان قرآن در تبیین آیات اشراط الساعه خواهیم پرداخت و رویکرد واقع‌نمای مفسران را در دو گروه تأویل‌گران و ظاهرگرایان مورد بحث و بررسی و نقادی قرار می‌دهیم.

*** واقع‌نمایی

مفسرانینظیر ابن‌ابی‌زمین و ابن جوزی و ابو حیان و قرطبی، نیز بیان کرده‌اند.

*** یحیی بن سلام، (۲۰۰ق) است که ذیل آیه (طه، ۱۰۲) می‌گوید صاحب صوراسرافیل در "قرن" می‌دمد، درحالی‌که همه ارواح انسان‌ها در صور قرار گرفته‌اند، پس آن هنگام که در صور می‌دمد، ارواح مانند خروج زنبورها از لانه هایشان، از صور خارج و به اجساد منتقل می‌شوند؛ و طبری (۳۱۰ق) همه این روایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم استناد می‌کند که فرموده است: "براستی که اسرافیل صور را در دهان گرفته و سرش را فرود آورده و منتظر آنست که چه زمانی مامور به دمیدن می‌شود، پس در آن می‌دمد" و نیز فرمود: «صور شاخی است بوق مانند که در آن دمیده می‌شود» (۱۱).

*** ابن‌ابی‌حاتم (۳۲۷ق) روایتی را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آورده است؛ به این مضمون که اگر تمام اهل این سرزمین گرد آیند برای حمل کردن "قرن یا صور" نخواهند توانست آن را جابه‌جا کنند (۱۲). طبرسی (۵۴۸ق) در چندین موضع از تفسیرش صور را همان قرن و شاخی در هیئت بوق می‌داند و نگرشی واقع‌نمایانه به نفع ارائه داده است. هر چند این مفسر بزرگ اقوال دیگری را نیز مطرح نموده که در بخش تاویل ذکر می‌شو (۱۳) ابوالفتوح رازی گفته است صور شبیه سرگاواست و چهل هزار سردار (۱۴).

*** از دیدگاه بهبودی (۱۳۹۳ش) صورنای و در لهجه فارسی سورنای به معنای کرنای بزرگ است که هنوز در میان قبایل متداول است و به هنگام شادی و یا سور چرائی برای اطلاع‌رسانی عمومی دمیده می‌شود صورنای و سورنای در اثر کثرت استعمال مخفف شده است و اینک در لهجه عمومی به صورت صرنا و سرنا تلفظ می‌شود به صرنا شهنای هم گفته‌اند که در معنای کرنای بزرگ صراحت دارد صرنا به دو صورت تهیه می‌شده است و هنوز هم می‌شوند نوعی راست و مستقیم و با دهنه گشاد که در نقاره‌ها دمیده می‌شود و با کوبیدن انواع طبل‌ها همراهی می‌گردد نوع دیگر آن خمیده و شاخی است و انحنائی در میان دارد و برای بسیج عمومی به کار می‌رفته است؛ و "الصور" یا صوراسرافیل، همان شهاب طارق است که غرشی دهشت‌زا و سهمگین داشته و دنباله‌ی آتشین، تابناک و خیره‌کننده‌ی آن، به شکل شیپور و بوق مشهود و مصور می‌گردد و به خاطر همین غرش سهمگین است که قرآن مجید در "سوره یس" (یس، ۴۸) گاهی از نفع صور به‌عنوان "صبحه" یعنی فریاد مهیب و با هیبت یاد می‌کند و در "سوره مدثر" (مدثر، ۸-۱۰) از عنوان "نقر ناقور" یاد کرده است. وی نیز خاطر نشان می‌سازد که مترادف بودن "نفع صور" با کلمه "نقر ناقور" نقر در نقاره‌خانه‌ها "نشان می‌دهد که صور به معنای صرنا و شیپور است نه آن که جمع صورت باشد، چنان‌که برخی تصور کرده‌اند (۱۵).

*** توصیفات عجیب برای اسرافیل به‌عنوان یک موجود مادی و ملموس بودن اسرافیل (علیه‌السلام) درآرای مفسران حاکی از تأکیدبرواقع‌نمایی زبان قرآن از دیدگاه برخی مفسران دارد.

ب. دابۀ الأَرْض

*** از نظر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰د) خروج جنبه‌ای از دل زمین است و یحیی بن سلام (۲۰۰ق) آن رایکی از جانوران زمین دانسته است که دارای پر و بال و چهار پاست. (۹).

*** وطبری (۳۱۰ق)، در خبری دابۀ راحیوانی معرفی کرده‌است به طول ۶۰ ذراع که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بگیرد و احدی نمی‌تواند از چنگ او فرار کند (۱۱).

*** ابن‌ابی‌حاتم (۳۲۷ق) دابۀ را موجودی غیر انسان، با دم قوچ، پاهای شتر، سرگاومیش، چشمان خوک، گوش‌های فیل، شاخ‌های گوزن، سینه شتر، رنگ ببر، پهلوهای گربه و صورت انسان که فاصله میان پاهایش، دوازده و قدش، شصت ذرع است؛ توصیف کرده است (۱۲).

*** و ثعلبی به نقل از "وهب" دابۀ به موجودی که از نظر صورت شبیه انسان و سایراندام شبیه مرغ است توصیف شده است. (۱۲) این احادیث را طبرانی (۳۶۰ق) و ابن‌ابی‌زمین (۳۹۹ق) هم در شرح دابۀ بیان کرده‌اند. و قرطبی (۶۷۱ق) نیز چنین گفته‌است که برخی قولی را صحیح‌ترین می‌دانند که دابۀ (فصیل) همان بچه شتر صالح دانسته شده است.

*** بهبودی (۱۳۹۳ش) در عصر حاضر درمورد کلمه دابۀ که به صورت نکره استعمال شده است براین باوراست که دابۀ نمی‌تواند ناظر به شخص و یا شخصیت معینی باشد. آیه کریمه نشان می‌دهد که از داخل خاک به همان صورت که قرآن وعده رستاخیز را عملی می‌داند، برای منکران رستاخیز یک نمونه از کشت نطفه انسان را در دل خاک عملی می‌سازد تا به یقین برسند.

بنابراین خروج یک جاننداری از دل خاک باید به صورت برنامه‌های علمی دانشمندان پرآوازه صورت بگیرد تا بتواند یقین‌آور باشد، نظیر آنکه در حال حاضر نطفه‌ها را در داخل لابراتوار و محفظه‌ها کشت می‌دهند و به اصطلاح آدم آزمایشگاهی تربیت می‌کنند در عهدی نه چندان دور در صدد می‌شوند که لابراتواری از خاک و گل مرداب تهیه نمایند و نطفه آدمی را و چه بسا دی‌ان‌ای «DNA» برگرفته از استخوان مردگان را کشت بدهند و آدمی از دل خاک برون آرند. ولی دراین موقع پرونده آزمون بسته خواهد شد و یقین‌داران بی‌نتیجه خواهد بود. وی دقیقاً تمام الفاظ قرآن را حجیت داده است و هیچ‌یک را تاویل نبرده است. از نظر او تمام واژگان بر معنای حقیقی خود حمل شده‌اند. او بیشتر در نظر داشته است که با توجه به نوع خلقتی که برای بشر در نظر گرفته است، این امر را نیز روشن کند و نشان دهد که پیشرفت علمی، با وعده قرآن، تا این حد تحقق می‌پذیرد (۱۶)

- نقد و بررسی دیدگاه ظاهر‌گرایان:

چنان‌که گذشت روشن شد که طیف وسیعی از مفسران آیات اشراف‌الساعة را بر اساس نگرش ظاهر‌گرایانه مورد توجه قرار داده‌اند که درفرآیند تفسیر شان غالباً به روایات و احادیث تکیه کرده‌اند. درحالی‌که در تفاسیر روایی محض و یا تفاسیری که روایات در آن‌ها نقش محوری و بنیادین را ایفا می‌کند و استدلال خود را بر پایه آن

شکل می‌دهند با اسناد و سایر ملاک‌های اعتبار روایات کم توجهی می‌شود (۱۷).

اساساً یکی از مبانی مفسران روایی اهل سنت و اخباریان شیعه، توسعه و تساهل در ملاک‌های اعتبار روایات در حوزه معارف عمومی مانند اسرار و اوصاف هستی و حکایات انبیاء و امت‌های گذشته است. این گونه احادیث غالباً از یهودیان تازه مسلمان شده‌ای همچون کعب الأحمبار، وهب بن منبه، عبدالله بن سلام و امثال آن‌ها نقل گردیده و مفسران از صحابه و تابعی و دوره‌های بعد درباره‌ی این مسائل تساهل ورزیدند بدون تحقیق و بی‌آنکه از حقیقت این گونه مسائل اطلاع داشته باشند، آن‌ها را نقل کرده‌اند (۱۷). ولی چون شهرت آن‌ها زبازنده بوده و به خاطر تصدیق شؤونات دینی از موقعیت اجتماعی برخوردار بوده‌اند گفته‌های آنان از همان زمان رایج گردیده است. در اکثر تفاسیر، روایات مورد استشهاده غالباً بدون ذکر سند آمده‌اند تنها در تفاسیر کم‌شماری نظیر تفسیر ابن ابی حاتم رازی و تفسیر طبری سند روایات ذکر شده است و در تفاسیر هم عصر و بعد از طبری نیز بجز برخی تفاسیر شیعی نظیر تفسیر قمی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، البرهان‌هاشم بحرانی و نورالتقلین حویزی که مولفان آن‌ها اغلب به گزارش سند عنایت داشته‌اند.

۲. تأویل گرایان

تأویل در اصطلاحاً عبارتست از حمل لفظ برخلاف ظاهر عبارت و یا بازگرداندن لفظ از معنای ظاهر به معنایی که محتمل است (۱۸) با توجه به این تعریف از تأویل، تمام آیات قرآن دارای تأویل نیستند؛ تنها آیات متشابه از جمله آیاتی هستند که لازماً دلالت ظاهری آن‌ها دارای تأویل خواهند بود. از دیدگاه ایازی، اگر استناد به نصّ برای برگرداندن لفظ به حقیقت واصل کلام باشد، یا برای روشن کردن احتمالی باشد که به ظاهر از بقیه احتمالات برتر است و در عین حال قرینه لفظی و علمی و ذوقی دارد تأویل نامیده می‌شود. وی همچنین بیان مصداق و نشان دادن حقیقت خارجی را در زمره تأویل قرار می‌دهد (۱۹).

الف. تأویل صور به صورت‌ها:

*** ابو عبیده معمر بن مثنی، در کتاب مجاز القرآن، ذیلانعام، ۷۳ "صور را جمع صورت هادانسته استوشیخ طوسی (م ۴۶۰ق) ذیل آیه‌ی (زمر، ۶۸) از حسن بصری و درجایی دیگر از قتاده (طوسی، ج ۷، ص ۳۹۵) و آلوسی نیز باوجود اینکه قول مشهور را تشبیه صور به شاخ می‌داند در عین حال به مبنا قرار دادن قرائت آن با واو مفتوح «صُور» تأویل آن به دمیده شدن ارواح در صورت هاست اشاره کرده است (۲۰) اما نکته قابل توجه این که در تفسیر روح المعانی ذیل آیه‌ی نمل ۸۷ چنین آمده است ظاهراً صور جمع صورت نیست و تأویل بردن آن نیز جایز نمی‌باشد زیرا در این صورت، حقیقت مراد آیه، انکار می‌گردد.

*** قرطبی "در تفسیرش از ابو هیثم نقل کرده است که انکار نفخ صور و طلب تاویلات برای آن، مانند آنست که گروهی به انکار عرش و صراط و میزان بپردازند و این سخن با احادیث صحاح در تعارض است اما --- ابو الهیثم ضمن رد این گفتار جمع صورت بودن که آن را به ابو عبیده معمر بن مثنی، نسبت می‌دهد؛ آن را

خطایی بزرگ و تحریف کلمات خداوند از مواضعش دانسته‌است و می‌گوید به دلیل این فرموده‌ی خداوند "و صُورَکُم فَاحْسَن صُورَکُم" و دیده نشده است که احدی از قرآء، آن را "فأحسن صُورَکُم" خوانده باشد "صور" را جمع "صوره" تلقی نموده باشد

*** مکارم شیرازی هم ذیل "زمر ۶۸" می‌نویسد؛ این تفسیر علاوه بر اینکه با متون روایات سازگار نیست با خود آیه نیز نمی‌سازد زیرا ضمیر مفرد مذکر در جمله "ثُمَّ نُفِخْ فِيهِ أُخْرَى" به آن بازگردانده شده، در حالی که اگر معنی جمعی داشته باشد باید ضمیر مفرد مؤنث به آن بازگردد و "نفخ فیها" گفته شود. از این گذشته دمیدن در صورت در مورد احیاء مردگان مناسب است (همانگونه که در معجزات مسیح "علیه السلام" آمده است) اما این تعبیر در مورد قبض روح به کار نمی‌رود (۲۱).

*** قرطبی (م ۶۷۱ق) به استناد روایات متعدد بر این باور است که ماهیت "صور"، نور است: ماهیت صور را نور دانسته و می‌گوید صور شاخی از جنس نور است که در آن دمیده می‌شود.

*** مکارم شیرازی نیز ضمن اشاره به روایتی از پیامبر "صلوات الله علیه وآله" مشابه این مضمون، تأویل آن را امری برتر و بالاتر و از جنس نور می‌داند به گونه‌ای که این فریاد عظیم، با امواجی فوق العاده سریع تر از امواج صوت و که پهنه زمین و آسمان را در فاصله کوتاه طی می‌کند (۲۱).

*** طبرسی هم در شرح صور به نور بودن جنس آن و این که در آن روزنه‌هایی است به عدد نفوس بشر، اشاره نموده است.

ب. مصادیق دابّه الأَرْض

*** علی بن ابراهیم قمی (د ۳۲۹ق) منظور از دابّه را امام علی (ع) می‌داند، وی از پدرش روایتی با این مضمون، نقل کرده است که پیامبر (ص) دابّه‌الله را برای امام علی (ع) به کار برده‌اند و در پاسخ یکی از اصحاب که می‌پرسد آیا می‌توانیم همدیگر را به این اسم صدا بزنیم؟ فرموده‌اند که این اسم فقط مختص اوست و در ادامه می‌فرمایند که او همان دابّه‌ای است که خداوند در کتابش یاد کرده است (۱۰).

*** شیخ طوسی (د ۴۶۰ق) هم در تفسیر دابّه افزون بر بیان روایات نقل شده در تفاسیر اهل سنت روایتی با این مضمون نقل کرده است که از علی (ع) پرسیدند: دابّه (جنبنده) چیست؟ فرمود: به خدا سوگند که دم ندارد، ریش دارد. وی از آن چنین برداشت نموده است که دابّه از فرزندان آدم است و طبرسی (د ۵۴۸ق) نیز ضمن بیان روایت مذکور از آن روایت به انسان بودن دابّه اشاره نموده است.

*** ابوالفتوح رازی (د ۵۵۶ق) علاوه بر بیان همان نقل‌های روایی که در تفاسیر پیشین بیان شد به این مورد نیز اشاره می‌کند که به گفته اصحاب مادابّه الأَرْض کنایه از حضرت صاحب الزمان (ع) است که مهدی امت است (۱۴). از نظر حسینی طهرانی (د ۱۳۷۴ش) از نظر حسینی طهرانی، دابّه همان ظهور ولایت است و این مقام، ظهور ولایت مطلقه‌ی امیر مؤمنان، ملک و ملکوت را در بر گرفته است که اینک برای بندگان مقرب و مخلص ظهور دارد، اما در آستانه قیامت این ولایت برای عامّه مردم بروز می‌نماید (۲۲).

References

The Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Fouladvand

1. Dekhoda, Ali Akbar, Dekhoda Dictionary, University of Tehran, Tehran 1377
2. Esfahani, Ragheb, Mofardat, Hossein Ibn Mohammad, Dar al-Kitab al-Arabi, Tehran, 1374
3. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, Lasan al-Arab, Beirut, 1375
4. Tousei, Muhammad bin Hassan, Al-Tabyan fi Tafsir Al-Qur'an, 10 volumes, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi, Lebanon, Beirut
5. Mostafavi, Hassan, Al-Habiq, Ministry of Guidance, Tehran, 1368
6. Ibn Athir, Jazri, Al-Nahiya, Dar al-Ahiya al-Kitbal Arabiyeh, Cairo, 544
7. Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, Bihar al-Anwar, Dar Ahya al-Trath al-Arabi, Beirut
8. Saedi Roshan, Mohammad Baqer, Analysis of Quranic Language and Methodology of its Understanding, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, 2013
9. Muqatil bin Suleiman, Tafsir of Muqatil bin Suleiman, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, Beirut, 1423 AH. Q
10. Qommi, Ali Ibn Ibrahim, Tafsir al-Qami, Dar al-Kitab, Iran, Qom, 1363 AH. sh
11. Al-Tabari, Muhammad Bin Jarir, Jame' Al-Bayan An Tawil Ai Al-Qur'an (Tafsir Al-Tabari), Dar Al-Marafa, Beirut, 1412 AH. Q.
12. Ibn Abi Hatim, Abdul Rahman Ibn Muhammad, Tafsir al-Qur'an, Al-Azeem (Ibn Abi Hatim) 327 AH. Q. Nizar Mustafa Al-Baz Library, Riyadh, 1419 AH. Q
13. Tabarsi Fazl bin Hasan, Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an, Nasser Khosro Publications, Tehran 1372, vol. 9, p. 154.
14. Abul Fattuh Razi, Hossein bin Ali, Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in Tafsir al-

- نقد و بررسی دیدگاه تأویل‌گرایان

با توجه به آنچه بیان گردید، تذکر چند نکته در زمینه رویکرد تأویل‌گرایی ضروری به نظر می‌رسد:

*** اول اینکه: مفسران قائل به زبان تأویل‌گراد آیات اشراف الساعه، در عین حال که به معنای ظاهر توجه دارند. به ارتباط آن الفاظ با معانی آن‌ها نیز پایبند هستند و بین این تأویل با باطنی‌گری و اسماعیلیه که قائل به داشتن تأویلات باطنی برای قرآن ولی در عین حال بی ارتباط با معنای ظاهری هستند و تأویل‌گرایی متصوفان که برداشت‌های ذوقی خویش را به عنوان لبّ و گوهر دین ملاک فهم قرآن قرار دادند؛ تفاوت بسیار است (۸).

*** دوم اینکه: عالمان شیعه با حفظ معنای ظاهری آیات به تأویل و معانی باطنی قائل‌اند. آنان رهیافتی واقع‌گرایانه، همه‌جانبه ضابطه‌مند و مبتنی بر همه مبادی معرفت از دین عرضه می‌دارند؛ و این تفکر بسیار متفاوت است با اندیشه باطن‌گرایانی که، در هر زمینه‌ای که منافعتشان اقتضا می‌کرد و به تأویل آیات قرآن پرداختند و مسائلی را به قرآن نسبت دادند که اساساً روح قرآن از آن‌ها بی‌خبر بود. در مقابل هر اعتراضی هم پاسخ این گروه این بود که باطن آیات را تنها ما می‌دانیم و این معانی که می‌گوییم از شناخت باطن آیات به دست آمده است. این باطنیان در واقع مصداق این روایت نقل شده از پیامبر است که فرمودند: "من فسر القرآن برأیه فلیتوب" مقعده من النار "یعنی هر کس قرآن را به رأی خود تفسیر کند پس جایگاهش در آتش است" که بنابه فرموده‌ی شهید مطهری این خیانتی بزرگ به قرآن است (۲۳)

خلاصه

مسئله رستاخیز و چیستی و کیفیت وقوع قیامت، از مباحث پرچالش در میان متکلمان اسلامی است. بخشی از آیات قرآن حکایت‌گر رویدادی است که پیش از واقعه عظیم قیامت رخ خواهد داد. در منابع اسلامی و کتاب‌های تفسیری از این رخدادها به‌عنوان اشراف الساعه یاد می‌شود و ۶۰ آیه از قرآن این حوادث را بازگو می‌کنند که عبارتند از: نفخ صور، درهم پیچیدگی خورشید، تیرگی ستارگان، شکافتن آسمان، خروج دابة الأرض و امثال آن.

واقع‌نمایان آن دسته از مفسرانی هستند که معتقدند هنگامی که قرآن کریم از رخدادهای آستانه قیامت، مثل نفخ صور، دابه و تحول زمین و کرات آسمانی؛ سخن می‌گوید؛ مقصود و مراد خداوند بیان واقعیت و تحقق یافتن حادثه‌ای است که عیناً واقع خواهد شد و آن حادثه به همان شکل که از متن به ذهن متبادر می‌شود رخ خواهد داد. واقع‌نمایان خود به دودسته تقسیم می‌شوند؛ دسته اول ظاهرگرایان هستند که در شرح الفاظ قائل به مطابقت بین لفظ و معنا هستند و آنان درباره حوادث آستانه قیامت بر این باورند که این حوادث به همان شکل که در بیان ظاهری قرآن آمده باید تفسیر شود. در نتیجه در آستانه قیامت نیز به همان صورت و کیفیت؛ در این عالم واقع می‌شوند و دسته دیگر تأویل‌گرایان هستند که آن الفاظ را به سبب قرائن از ظاهرشان به حقیقت مراد و معنا ارجاع می‌دهند.

- Qur'an, Astan Quds Razavi, Mashhad, 1408.
15. Behbodhi, Mohammad Baqir, Quran Education, Publishing House, Tehran, 2010.
 16. Behbodhi, Mohammad Baq, Nash Alam, Tehran, 2015
 17. Marfat, Mohammad Hadi, Talkhis al-Tamhid, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute, second edition, 1416 AH
 18. Shakir, Mohammad Kazem, Methods of Qur'an Interpretation, Islamic Propaganda Office Publications, Qom, first edition, 1376.
 19. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali, Tafsir of the Holy Qur'an taken from Imam Khomeini's works, under the supervision of Ayatollah Marfat, Imam Khomeini Publishing Institute, 1384.
 20. Alousi, Mahmoud bin Abdullah, Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani, Dar al-Kutub Al-Elamiya, Beirut, 1415 AH. Q.
 21. Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir al-Nashon, 28 volumes, Islamic Books - Iran - Tehran, 10th edition, 1371 AH. Sh.
 22. Hosseini Tehrani, Mohammad Hossein, eschatology, Hekmat Publishing House, Mashhad,
 23. Motahari, Morteza, collection of works, Sadra, Tehran, 1378; Javadi Amoli, Abdullah, Thematic Tafsir of the Qur'an, Isra Publishing Center, Qom, 1378